

پیش از آن که به تاریخچه و چند و چون پیدایش رمان‌های تاریخی فارسی بپردازیم، مناسب است تعریفی از این نوع ادبی ارائه دهیم. در فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌های عمومی و تخصصی، تعاریف و توصیفات فراوانی از رمان تاریخی عرضه شده است ولی ما در این جا برای رعایت جانب اختصار به درج یک تعریف نسبتاً دقیق، به نقل از فرهنگ اصطلاحات ادبی کادن اکتفا می‌کنیم:

«رمان تاریخی، شکلی از روایت داستانی است که تاریخ را بازسازی می‌کند و آن را به شیوه‌ای تخیلی بازمی‌آفریند. در این نوع داستانی، هم اشخاص تاریخی و هم اشخاص داستانی، امکان حضور دارند.»

نکته قابل توجه در این جا، مسأله‌ی تناسب واقعیت تاریخی با تخیل (خیال پردازی) نویسنده است. نویسنده‌ی رمان تاریخی برای آن که آفریننده باشد، باید

صحبیح بنیاد شود و به اصطلاح، متمم و مکمل تاریخ باشد. پیداست که این خیال پردازی باید با ترکیب داستان به خوبی آمیخته شود و به درک حقایق تاریخی آن عهد، کمک کند.

این نوع ادبی که در فاصله‌ی سال‌های پس از انقلاب کبیر فرانسه زاده شده و در نیمه‌ی نخست قرن نوزدهم به اوج تکامل خویش رسیده بود، از طریق ترجمه، وارد حوزه‌ی ادبیات فارسی شد و راه را برای ورود انواع دیگر رمان، به حوزه‌ی ادبیات

فارسی هموار ساخت. رمان تاریخی، به دلایلی چون «اشتیاق ایرانیان برای آشنایی بیشتر با تاریخ کشورهای پیشرفته‌ی اروپا، بخصوص فرانسه؛ سنخیت و شباهت ساختاری و فنی رمان‌های تاریخی اروپا و

قصه‌های عامیانه‌ی فارسی و داستان‌های نیمه تاریخی ایرانی؛ برخورداری از جنبه‌های تربیتی و اخلاقی برخی از رمان‌های تاریخی در ارائه‌ی قهرمانان شجاع و فضیلت پیشه و بالاخره، دخالت

سیری در رمان‌های تاریخی فارسی

کلیدواژه‌ها: رمان، رمان تاریخی، شمس و طغرا، داستان باستان، عشق و سلطنت، دام گستران، محمود افغان در راه اصفهان، داستان مانی نقاش، مظالم ترکان خاتون، لازیکا، عروس مری، شهربانو، دلبران تنگستانی، جفت پاک، پهلوان زند، سلحشور، عشق و ادب، یعقوب بن لیث، دخمه‌ی ارغون، پیامبر، دختر کورش، در راه نجات میهن، بانوی نیل، فتح مصر، بانوی زندانی، آشیانه‌ی عقاب، سیاه پوشان، عشق و پادشاهی، داستان‌های تاریخی، ده نفر قزلباش، بابک و افشین، پنجه‌ی خونین، شراره‌های خاموش شده، شب‌های بغداد، عشق بازی‌های ناصرالدین شاه، معصومه

به طور وسیعی خیال پردازی کند؛ آزادانه بیندیشد و پیش‌بینی کند؛ در میان حوادث، صحنه‌ها و اشخاص تاریخی دست به گریزشش بزند؛ به شرط آن که این خیال پردازی بر مبنای واقعیت‌های تاریخی

نکته قابل توجه در این جا، مسأله‌ی تناسب واقعیت تاریخی با تخیل (خیال پردازی) نویسنده است. نویسنده‌ی رمان تاریخی برای آن که آفریننده باشد، باید

زمان تاریخی فارسی قدیمی یک صدساله دارد. این نوع ادبی که تحت تأثیر ترجمه‌ی آثار الکساندر دوما و جرجی زیدان، وارد حوزه‌ی ادبیات فارسی شده است، طی سه دهه به اوج ارتقای خود می‌رسد و به سرعت مورد توجه نویسندگان و خوانندگان قرار می‌گیرد. نویسنده در این مقاله بر آن است تا با اشاره‌ای کوتاه به تاریخچه‌ی پیدایش این آثار در ایران، دوره‌های سه‌گانه‌ی پیدایش، تکامل و افول نسبی آن‌ها را بررسی و تحلیل کند و طی این مباحث، به معرفی اجمالی سبک و ساختار شاخص‌ترین رمان‌های تاریخی در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۲ ش بپردازد. این مقاله‌ی مختصر می‌تواند نمایی کلی از وضعیت رمان تاریخی فارسی را در اختیار مخاطبان قرار دهد و ما را با سرچشمه‌های پیدایش رمان در ایران، آشنا سازد. دکتر محمد غلام عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلّم تهران و مؤلف کتاب‌های درسی و از اعضای هیأت تحریریه‌ی مجله‌ی رشد ادب فارسی است که رساله‌ی دکتری وی تحت عنوان «سیر و نقد و تحلیل رمان‌های تاریخی» چندی پیش با عنوان رمان تاریخی از سوی انتشارات چشمه به چاپ رسید.

ذوق حاکم بر دربار قاجار و نیز سلیقه‌ی شخصی مترجمان و... مورد توجه و تقلید جدی ایرانیان قرار گرفت.

باری در این گفتار بر آنیم تا با سیری تحلیلی در رمان‌های تاریخی فارسی، دورنمایی کلی از این جریان ادبی را در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۲ ارائه دهیم. این دوره‌ی حدوداً پنجاه ساله را بنا به دلایل و قرائنی به سه دوره‌ی کوتاه‌تر^۱، تقسیم‌بندی و رمان‌های تاریخی هر دوره را ذیل این تقسیم‌بندی معرفی و بررسی می‌کنیم.

دوره‌ی نخست، حدود شانزده سال (یعنی از ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۰) به طول می‌انجامد. در این فاصله نسل اول رمان‌های تاریخی فارسی نوشته می‌شوند. اگر حساب شمس و طغرا را که در دهه‌ی هشتاد سه قبل نوشته شده است، جدا کنیم، سه رمان دیگر این دوره (عشق و سلطنت ۱۲۹۵ / داستان باستان ۱۲۹۹ / دام گستران ۱۲۹۹-۱۳۰۰) محصول سال‌های پایانی قرن سیزدهم هستند. رمان‌های این دوره، به رغم برخی تفاوت‌ها، هم به لحاظ ساختاری و هم به جهت محتوایی و معنایی و خاستگاه فکری در مجموع شباهت‌های نزدیکی با هم دارند. از این حیث می‌توان آن‌ها را در یک ردیف و تحت عنوان «رمان‌های تاریخی نسل اول» یا «رمان‌های تاریخی پیشاهنگ»، بررسی کرد.

شمس و طغرا، نخستین رمان تاریخی از نسل اول رمان‌های تاریخی فارسی،

محصول سال‌های بحرانی عصر مشروطه‌خواهی ایرانیان است.^۲ محمدباقر میرزا خسروی (۱۲۶۶-۱۳۳۸ق)، در این اثر - بی آن که قصد خود را آشکار سازد - مقطعی از تاریخ گذشته را موضوع داستان خود قرار می‌دهد که مجازاً تصویری از عصر زندگی نویسنده در آن نمایان است. از همین رهگذر است که می‌توان گفت خسروی در جهت تصویر کردن مشکلات و پریشانی‌های کشور مقارن سال‌های فتنه خیز مشروطه‌خواهی گام برداشته است. پرداختن وی به پریشانی‌ها و هرج و مرج‌های بروز کرده بر اثر ضعف وی کفایتی حکومت اتابکان فارسی و نشان دادن سلطه‌گری‌های بیگانگان مغول بر ایران، همه و همه، گواه آن است که خسروی اتمیت و هویت ملی ایران عصر مشروطه را در معرض خطرهای داخلی و خارجی یافته است.

به فاصله‌ی چندسال پس از نگارش شمس و طغرا، عشق و سلطنت (۱۲۹۵) و داستان باستان (۱۲۹۹) نوشته و چاپ می‌شوند. در این دو اثر، موسی نثری همدانی (۱۲۶۰-۱۳۳۲ ش) و محمد حسن خان بدیع (۱۲۵۱-۱۳۱۶ ش) تاریخ عصر حکومت کوروش هخامنشی را موضوع رمان خویش قرار می‌دهند. طبعاً رویکرد اینان به دوره‌ای از تاریخ گذشته که عصر شکوفایی و اقتدار ملی ایران به شمار می‌رود، جنبه‌ی تحلیلی و انتقادی نخواهد داشت، بلکه این دو نویسنده برآنند تا با

تصویر کردن روزگار بهروزی ایرانیان اولاً حس ملی‌گرایی و وطن‌دوستی را در مخاطبان برانگیزند، در ثانی، با نمایش پهلوانی‌ها و خصایل نیکوی قهرمانان داستان، روح پاک، اخلاق و انسانیت را در مخاطبان آثار خود بدمند. نویسندگان این دو رمان، گویا بیشتر از آن که نگران مخاطرات داخلی باشند، متوجه خطرات خارجی هستند و آن چنان که از محتوای داستان‌ها برمی‌آید، راه مقابله با چنین خطراتی را در تشکیل حکومت مقتدر مرکزی و فراهم آمدن وحدت ملی در سایه‌ی آن، جست‌وجو می‌کنند. در این آثار، قهرمان تاریخ ساز ملی، در مرکز داستان قرار دارد. باید شخص وطن پرست و اصلاح طلبی چون کوروش ظهور کند و به مدد عقل و تدبیر و قدرت خویش، در رفع اختلافات داخلی و آسیب‌های خارجی بکوشد؛ قهرمانی که حکومتش تا حدی بر پایه‌ی قانون و رأی و نظر مردم استوار است. از این روست که می‌توان گفت در عشق و سلطنت و داستان باستان، ردپای مشروطه‌خواهی و اصلاح طلبی نویسنده‌گانشان به وضوح دیده می‌شود.

عبدالحسین صنعتی‌زاده کرمانی (۱۲۷۴-۱۳۵۲)، در سال ۱۳۰۰، چهارمین رمان تاریخی فارسی (دام گستران) را با دیدگاهی نسبتاً متفاوت با دو اثر پیشین و بنا نگاهی انتقادی و تحلیل‌گرانه، چاپ و عرضه کرد. وی در این اثر، دوره‌ای از تاریخ گذشته‌ی ایران



را موضوع کار خود قرار داد که عصر شکست تاریخی ایرانیان محسوب می‌شد؛ تاریخ حکومت رو به زوال یزدگرد سوم و غلبه‌ی مسلمانان بر ایران.

این انتخاب - اگرچه به ظاهر با روح زمان همخوان نبود و حسن غرور ملی ایرانیان را تا حدی خدشه دار می‌کرد - بی‌شک در گسترش و عمق بخشیدن به آگاهی‌های ملی مؤثر افتاد. پرداختن به دوره‌ای که مظهر بی‌ثباتی‌ها و پریشانی‌های داخلی وضعف و زبونی در برابر نیروهای خارجی بود، از یک جهت نیز می‌توانست آینه‌ی تمام‌نمای روزگاران ایران در بحبوحه‌ی سال‌های پس از انقلاب مشروطیت و آشوب‌ها و پریشانی‌های سربرکرده از درون این انقلاب و در نهایت بروز جنگ جهانی اول را در برابر چشمان جست‌وجوگر مخاطبان قرار دهد. به علاوه، صنعتی زاده برخلاف خسروی، نثری همدانی و بدیع، به ذکر حوادث و وقایع تاریخی اکتفا نکرد بلکه تا حد زیادی در مسیر تحلیل تاریخ پیش رفت و با دیدی واقع‌بینانه‌تر، علل سقوط ساسانیان و غلبه‌ی مسلمانان بر ایران را ریشه‌یابی نمود. او بی‌لیاقتی حکام وقت و درباریان، ضعف و تن‌پروری سپاهیان، کارشکنی‌های مزدکیان و دخالت و دست‌اندازی‌های مؤبدان دینی را از یک سو، و حاکمیت روح ایمان، ایثار و برادری در میان مسلمانان را از سوی دیگر، به عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکست ایرانیان و پیروزی مسلمانان، ریشه‌یابی و ذکر نمود.

دام گستران صنعتی زاده، به لحاظ کیفیت داستان‌نویسی نیز، نسبت به سه اثر پیشین در مقامی متفاوت و تا حدی برتر می‌ننشینند، اولاً با احتراز از حادثه‌پردازی‌های پی‌درپی و قهزمان‌پروری‌های رایج در شمس و طغرا، عشق و سلطنت و داستان باستان، تا حد زیادی از فضا و کیفیت رمانی چنین آثاری

فاصله می‌گیرد. درثانی، با به کار بستن شیوه‌ای کارآمد در شخصیت‌پردازی، در مسیر تحلیل روحی و روانی اشخاص داستان گام برمی‌دارد. ثالثاً در دام گستران دسیسه‌های دیگری چون توطئه، خیانت و انتقام، وارد فضای داستان می‌شود که حاکی از عمیق‌تر شدن جهات معنایی و تکامل ساختار داستانی اثر است.

نویسندگان نسل اول رمان‌های تاریخی (پیشاهنگان رمان تاریخی نویسی) از آن‌جا که در کنار خویش نیت آموزشی دارند و تا حد زیادی برداشتشان از رمان تاریخی، کتابی است که حقایق و آموزه‌های تاریخی را در قالب داستان روایت می‌کند، غالباً «دوره‌های تاریخی» را موضوع کار خود قرار می‌دهند و نسبت به مستندسازی حقایق تاریخی توجه ویژه دارند؛ فی‌المثل، خسروی در مقدمه‌ی کوتاه خود بر شمس و طغرا، به این نکته اشاره می‌کند که این کتاب تاریخ مجملی است از وقایع بیست و چهارساله‌ی فارسی و زمان پادشاهی آتش‌خاتون، آخر اتابکه از سلسله‌ی سلغریان و... موسی شری همدانی نیز می‌نویسد که این بنده... به خیال افتادم که چند جلد (رمان) تاریخی تألیف نمایم که یک دوره تاریخ در ضمن آن‌ها مندرج بوده و برای عموم هم وطنان مفید باشد... نویسنده‌ی داستان باستان نیز در مقدمه‌ی مفید خود می‌نویسد: «ما باید امروزه حاجیات (۴) را بر کمالیات ترجیح دهیم و عوض ترجمه‌ی افسانه‌های خارجه، داستان‌های سودمند در موضوع ایران بنویسیم و نکات اخلاقی و اجتماعی را در ضمن افسانه‌های شیرین گوشزد هموطنان عزیز خودمان کنیم.»

از این مقدمه‌ها و محتوای رمان‌های مذکور به خوبی پیداست که نویسندگان آن‌ها، آشکارا قصد آموزش تاریخ و اخلاق

و اجتماعات دارند و جهات داستانی این آثار برای آن‌ها، در مرتبه‌ی دوم قرار دارد. این بیش‌تس تعلیم‌مدار و اصلاح‌طلبانه - اگرچه در رمان‌های تاریخی دوره‌ی بعد نیز تا حدی دیده می‌شود - چندان چشم‌گیر نیست.

دوره‌ی دوم رمان تاریخی نویسی در ایران، فاصله‌ی بیست ساله‌ی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ را دربرمی‌گیرد. در این تقسیم‌بندی، از یک طرف سال‌های آغازین حاکمیت پهلوی مدنظر است که در فراهم آمدن زمینه‌های رشد و شکوفایی این پدیده‌ی نوین ادبی بی‌تأثیر نیست و از سوی دیگر به سال‌های پایانی حکومت رضاخان نظر داریم که این بار نیز در کاهش رونق بازار رمان تاریخی نویسی تأثیرگذار است. در این دوره که از لحاظ کمی و اسبانا از لحاظ کیفی دوره‌ی رواج رمان تاریخی فارسی‌نام دارد، قریب بیست عنوان رمان تاریخی نوشته می‌شود.

نخستین رمان تاریخی این دوره محمود افغان در راه اصفهان نام دارد که حسین سحبتار متخلص به مسرور (۱۲۶۷-۱۳۴۷) آن را در سال ۱۳۰۰ نوشته و در مجله‌ی نوبهار چاپ کرده است. عبدالحمین صنعتی زاده، دومین رمان تاریخی خود را با عنوان داستان مانی نقاش در سال ۱۳۰۵ می‌نویسد. وی در این اثر، ضمن بازگو کردن داستان زندگی مانی، شرحی از حکومت شاپور ساسانی و غلبه‌ی او بر روم را بیان می‌کند. دومسال پس از این، حیدرعلی کمالی (۱۲۴۸-۱۳۱۵) شاعر و نویسنده‌ی روشنفکر عصر، رمان تاریخی مظالم تورکان خاتون (۱۳۰۷) را درباره‌ی حکومت رو به زوال سلطان محمد خوارزمشاه و غلبه‌ی مغولان بر ایران به رشته‌ی تحریر می‌کشد. عروس مدی رمان تاریخی دیگری است که عباس آریان‌پور

کاشانی (۱۲۸۵-۱۳۶۳) در سال ۱۳۰۸ چاپ می‌کند. ۷. حیدرعلی کمالی در سال ۱۳۰۹، دومین رمان تاریخی کوتاه خود را با عنوان *لازیکا*، به تاریخ عصر ساسانی اختصاص می‌دهد و تا حدی با دید انتقادی به بررسی نقش موبدان زردشتی در دستگاه حکومت ساسانی می‌پردازد. علی اصغر رحیمزاده صفوی (۱۲۷۳-۱۳۳۸) داستان *شهربانو* (۱۳۱۰) را به مطالعه در سال‌های پایانی حکومت یزدگرد سوم و غلبه‌ی مسلمانان بر ایران و ستمکاری‌های دستگاه خلافت اموی اختصاص می‌دهد و در این کار، شیوه‌ای تحلیلی در پیش می‌گیرد. در *دلبران تنگستانی* (۱۳۱۰) محمدحسین رکن‌زاده آدمیت (۱۲۷۷-۱۳۵۲) داستان مقاومت و جان‌فشانی مردم جنوب را در برابر نیروهای بیگانه‌ی انگلیسی روایت می‌کند. [جنبه‌ی تاریخی و تحقیقی دو اثر اخیر الذکر بر جهات داستانی آن‌ها غلبه دارد.] *حسینقلی میرزا سالور* (۱۲۹۴-۱۳۶۸)، *جفت پاک* (۱۳۱۱) را به شرح و توصیف زندگی پدر و مادر فردوسی اختصاص می‌دهد. در رمان تاریخی *پهلوان زند و سلحشور* در سال ۱۳۱۲ نوشته می‌شود. علی شیرازپور پرتو معروف به *شین پرتو* (۱۲۸۶-۱۳۷۶) در *پهلوان زند*، شرحی از سال‌های پایانی حکومت زندیه و غلبه‌ی آغامحمدخان قاجار بر لطفعلی را بازگو می‌کند. صنعتی‌زاده کرمانی نیز در *سلحشور*، سومین رمان تاریخی خود، چگونگی روی کار آمدن اردشیر بابکان و مقابله‌ی او با دشمنان خارجی را شرح می‌دهد. علی محمد آزاد همدانی (۱۳۶۰-۱۳۲۴) *رمان عشق و ادب* (۱۳۱۳) را مقارن برگزاری کنگره‌ی بزرگداشت یک‌هزارمین سال تولد فردوسی، درباره‌ی فردوسی و اقربان او که خیزشی فرهنگی را علیه دستگاه خلافت عباسی آغاز کرده

بودند، می‌نویسد. یحیی قریب نیز رمان تاریخی خود را با عنوان *یعقوب بن لیث* در سال ۱۳۱۴ رقم می‌زند. حبیب یغمایی (۱۲۸۰-۱۳۶۲) هم در همین سال، در رمان *دخمه‌ی ارغون* از یک سو به جنگ‌های صلیبی و از سوی دیگر به تاریخ عصر ایلخانان مغول و نیز عصر حکومت فتحعلی شاه قاجار می‌پردازد و به نوعی این سه مقطع تاریخی را به مدد داستان به هم ربط می‌دهد. در سال ۱۳۱۶، زین العابدین رهنما (۱۲۷۲-۱۳۶۸) رمان تاریخی *پیامبر* را رقم می‌زند و نخستین بار در بیروت به چاپ می‌رساند. ظاهراً در طی همین سال‌ها، محمدعلی خلیلی، دختر کورش زا دربارهی نحوه‌ی روی کار آمدن داریوش هخامنشی می‌نویسد، محتوای این اثر، علاوه بر موضوع، شباهت غریبی با رمان *در راه نجات مهین علی جلالی* - که در سال ۱۳۲۱ نوشته شده است - دارد. خلیلی، رمان تاریخی دیگر خود را با عنوان *بانوی نیل یا فتح مصر*، در سال ۱۳۱۷ رقم می‌زند و در آن از وقایع زمان سلطنت کمبوجیه، پسر کوروش و فتح مصر به دست او سخن می‌گوید. محمدرضا خلیلی عراقی (متولد ۱۲۹۴ ش) رمان تاریخی *بانوی زندانی* یا *شراره‌های عشق مهین* را در سال ۱۳۱۸ پیرامون فتوحات کورش کبیر به رشته‌ی تحریر می‌کشد و بالاخره زین العابدین مؤتمن (۱۲۹۳-۱۳۶۸) *آشیانه‌ی عقاب* را - که ظاهراً در سال ۱۳۱۴ نوشته بود - به سال ۱۳۱۸ به چاپ می‌رساند. این دوره‌ی تقریباً بیست ساله را در بررسی جریان رمان تاریخی نویسی در ایران، باید عصر رشد و شکوفایی کمی و تا حدی کیفی این نوع ادبی به شمار آورد. از نظر کمی، بیشترین تعداد رمان‌های تاریخی فارسی (قریب به بیست عنوان) در این دوره نوشته می‌شود. هم چنین در این

دوره، رمان‌های خوش ساخت تر و عمیق تری نسبت به دوره‌ی قبل نظیر آثار حیدرعلی کمالی، صنعتی‌زاده‌ی کرمانی^۸ و رحیم‌زاده صفوی پا به عرصه‌ی وجود می‌نهد. علاوه بر این، در این دوره، گونه‌ای رمان تاریخی نوشته می‌شود که به جای پرداختن به ادوار تاریخی، اشخاص و قهرمانان و یا یک حادثه‌ی عمده‌ی تاریخی را موضوع کار خود قرار می‌دهد. پیداست که در این عصر، تحولی کیفی در محتوای رمان‌های تاریخی به وقوع پیوسته است بدین معنی که چون آثار خلق شده در این دوره، قهرمان یا حادثه‌ای تاریخی را می‌پروراند، چندان به ابعاد آموزشی آن‌ها توجه نمی‌کنند و به همین دلیل، رمان تاریخی از شکل نخستین خود فاصله می‌گیرد و تا حدی رنگ و لعاب داستانی می‌یابد. در آثار این دوره، دیگر از مقدمه‌هایی که در رمان‌های تاریخی نسل اول دیده می‌شد و نویسندگان در آن‌ها به توجیه ابعاد آموزشی آثار خود می‌پرداختند و گاه منابع و مآخذ کار خود را نیز تعیین می‌کردند، کم‌تر اثری دیده می‌شود. حتی نویسنده‌ای مورخ چون رحیم‌زاده صفوی که سخت پای بند صحت حقایق تاریخی اثر خویش است و در نخستین چاپ داستان *شهربانو*، مآخذ و مستندات خود را هم ارائه می‌دهد، در چاپ دوم و زمانی که می‌خواهد کتاب را به شکل مستقل چاپ کند، این شیوه را ترک می‌گوید و متذکر می‌شود که رعایت چنین شیوه‌ای متناسب بیان داستانی نیست. از سوی دیگر، برخی از نویسندگان این عصر می‌کوشند تا به جوهر تاریخ و درک صحیح آن دست یابند. از این گروه می‌توان به حیدرعلی کمالی در دو رمان تاریخی *مظالم ترکان خاتون* و *لازیکا* و تا حدی به رحیم‌زاده صفوی و صنعتی‌زاده



کرمانی اشاره کرد. این نکته خود حاکی از تغییر نگرشی است که بر اثر برخورد با غرب بخصوص اروپا و در مقولاتی چون تاریخ ایجاد شده است. کمالی طی عباراتی کوتاه در مقدمه‌ی چاپ نخست، نگرش خود را نسبت به فن تاریخ و جوهر آن بازگو می‌کند و می‌گوید:

«اگر مورخین که تاریخ واقعیات ایران را نوشته‌اند، اندکی هم داخل در اخلاق و اوضاع اجتماعی شده و علل انهدام یا زوال سلطنت‌ها را و هم چنین فلسفه‌ی تأسیس و ایجاد حکومت‌ها را در روح جامعه جست‌وجو می‌کردند، هم مردم به ضرر و نفع خود بهتر پی برده و هم ما امروز برای بدست آوردن یک مطلب کوچک این همه در تاریکی نمی‌رفتیم.»

یکی دیگر از ویژگی‌های دوره‌ی دوم جریان رمان تاریخی نویسی، حضور معلمان، استادان، کارمندان دولتی و مردان سیاسی در عرصه‌ی تألیف رمان تاریخی است. نخستین دلیل این امر آن است که چون وسایل طبع و نشر کتاب به اندازه‌ای نبوده که گذران و زندگانی نویسندگان حرفه‌ای را تأمین کند، ناچار نویسندگان جزو جامعه‌ی معلمان، استادان، کارمندان دولتی و مردان سیاسی بودند که از راه‌های دیگر ارتزاق می‌کردند؛ حسین مسرور به تدریس اشتغال داشت؛ کمالی از سیاسیون عنصر و نماینده‌ی دوره‌های نهم و دهم مجلس بود. آریان‌پور به ترجمه و تدریس اشتغال داشت. رحیم‌زاده مرد سیاست و روزنامه‌نگار بود. شین پرتو در وزارت امور خارجه کار می‌کرد. آزاد همدانی مدت‌ها رئیس فرهنگ کاشان و همدان و معلم تاریخ بود. حبیب یغمایی به تدریس و روزنامه‌نگاری اشتغال داشت. زین‌العابدین رهنما سمت وزارت داشت و... دلیل دیگر را باید در تحولی

جست‌وجو کرد که تا این زمان در فن تاریخ‌نگاری بروز کرده و لزوم تغییر در شیوه‌های آموزش و تدوین تاریخ را در نظر صاحب‌نظران ضروری ساخته است.

نکته‌ی ویژه‌ای که از حضور افشار مذکور در جمع نویسندگان رمان‌های تاریخی و محتوای آثار آنان استنباط می‌شود، آن است که چون بسیاری از این نویسندگان، مناصب دولتی داشته و گاه خود جزو وابستگان یا حواشی دستگاه حکومت بوده‌اند، خواسته یا ناخواسته در مسیر اهداف و خواسته‌های حکومت وقت قرار گرفته‌اند. از این رو آثار قلمی ایشان بعضاً تا حدی دیدگاه‌های واپسگرانه‌ی آن‌ها را بازتاب می‌داد؛ فی‌المثل، رحیم‌زاده صفوی در داستان شهربانو به ریشه‌یابی علل سقوط حکومت ساسانی می‌پردازد و بر نابودی آن مویه می‌کند و خواهان تجدید حیات حکومت‌های سلطنتی است. آدمیت نیز در دلبران تنگستانی تمام آرزوها و آرمان‌های دست‌نیافتنی خود را در وجود رضاخان و در سایه‌ی حکومت او برآورده می‌یابد. صنعتی‌زاده کرمانی هم در داستان مانی نقاش و سلحشور، بر لزوم همدلی و یاری همگان برای احیای و تداوم سلطنت تأکید می‌کند.

دوره‌ی سوم جریان رمان تاریخی نویسی در ایران، (حدوداً از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲) با بروز رکودی نسبی و پس از وقفه‌ای چندساله در تألیف رمان تاریخی آغاز می‌شود. علی‌جلالی نخستین رمان تاریخی این دوره را تحت عنوان در راه نجات میهن، در سال ۱۳۲۱ درباره‌ی خیانت مغان زرتشتی و روی کار آمدن داریوش کبیر می‌نویسد. صنعتی‌زاده کرمانی چهارمین رمان تاریخی خود (سیاهپوشان) را پیرامون زندگی ابومسلم خراسانی در سال ۱۳۲۳ رقم می‌زند. عشق و پادشاهی را اقبال

یغمایی (۱۳۷۶-۱۲۹۵) در سال ۱۳۲۵ درباره‌ی نور جهان و جهانگیر می‌نویسد. ناصر نجمی (متولد ۱۳۰۳. ش) ظاهراً نخستین رمان تاریخی خود را با عنوان عباس میرزا در سال ۱۳۲۶ به حساب می‌رساند. اثر دیگر او با نام داستان‌های تاریخی در سال ۱۳۲۷ نوشته می‌شود. سال‌های ۲۷ و ۲۸ و پس از آن، در دوره‌ی سوم، از اهمیت خاصی برخوردارند. در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ و پس از آن، رمان تاریخی فارسی غالباً بر مدار پاورقی و ضمیمه‌ی نشریات عامه‌پسندی چون «تهران منصور»، «اطلاعات هفتگی»، «ترقی»، «خواندنی‌ها»، «سپید و سبزه»، «امید»، «صبا» و... شکل می‌گیرد و از نظر تعداد نیز شمار رمان‌های تاریخی رو به افزایش می‌نهد. حسین سخنیار (مسرور)، رمان تاریخی پر حجم و نسبتاً موفق ده نفر قزلباش را در پاورقی «روربانه‌ی اطلاعات» سال ۱۳۲۷ به حساب می‌رساند. موضوع این رمان تاریخی ارزشمند، شرح و روایت اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در عصر صفوی، بخصوص سال‌های حکومت شاه اسماعیل و شاه طهماسب و شاه عباس صفوی است. عبدالرحیم همایونفرخ (۱۲۶۳-۱۳۳۸) نیز در سال ۱۳۲۸، خلاصه‌ای از رمان تاریخی هشتنصد صفحه‌ای خود را با عنوان بابک و افشین بازنویسی و در پاورقی مجله‌ی «هوخ» سال‌های ۱۳ و ۱۴ چاپ می‌کند و در این رمان کوتاه داستان زندگی افشین پاریسی را شرح می‌دهد. ابراهیم زمانی آشتیانی (۱۳۶۸-۱۲۹۴)، پاورقی نویس زبردست و پرکار نشریه‌ی «ترقی»، پنجه‌ی خونین را به سال ۱۳۲۷ درباره‌ی زندگی و حکومت شاه صفی صفوی می‌نگارد.

شراره‌های خاموش شده، عنوان رمان دیگری است که ناصرالدین شاه حسینی (متولد ۱۳۰۳ ش) آن را در سال ۱۳۲۸ می‌نویسد و در آن به زندگی و عشق لطفعلی خان زند می‌پردازد. ابوالفضل دیکانفر، رمان تاریخی محمود و ایاز را در سال ۱۳۳۰ تألیف می‌کند. لطف‌الله ترقی، مدیر نشریه‌ی ترقی، خود نویسنده‌ی دیگری است که رمان تاریخی شب‌های بغداد را درباره‌ی کشتار برمکیان و انتقام هواداران آن‌ها از عباسیان در سال ۱۳۳۱ می‌نویسد. از این نویسندگان، دو رمان عشقی - تاریخی دیگر با عناوین عشقبازی‌های ناصرالدین شاه و معصومه نیز در دست است که تاریخ دقیق چاپ آن‌ها مشخص نیست اما این نکته را می‌دانیم که عشقبازی‌های ناصرالدین شاه به صورت پاورقی در مجله‌ی ترقی به چاپ رسیده است. علی جلالی، اثر دیگر خود را با عنوان شب‌های بابل، در سال ۱۳۳۱ به شکل دومین ضمیمه‌ی خواندنی‌ها چاپ می‌کند. شین پرتو نیز دومین رمان تاریخی خود (قهرمان ایرانشهر) را درباره‌ی یعقوب لیث و قیام او در سال ۱۳۲۲ می‌نویسد و بالاخره آخرین رمانی که تا سال ۱۳۳۲ نوشته و در قالب کتاب مستقل عرضه می‌شود، قرآن اثر حسین سخنیار (مسرور) است که به نبرد لطفعلی‌خان با آغامحمدخان قاجار اختصاص دارد.

از ویژگی‌های دیگر دوره‌ی سوم جریان رمان تاریخی نویسی، یکی آن است که بیشتر رمان‌های تاریخی این عصر، به زندگی اشخاص تاریخی می‌پردازند. سیاه‌پوشان درباره‌ی ابومسلم خراسانی؛ بابک و افشین پیرامون زندگی افشین (خیزد پسر کاووس)؛ پنجه‌ی خونین درباره‌ی شاه صفی صفوی؛ شراره‌های خاموش شده و قرآن درباره‌ی لطفعلی خان زند؛ قهرمان

ایرانشهر پیرامون زندگی یعقوب لیث صفاری و ...

این مایه توجه نویسندگان به قهرمانان تاریخی حاکی از دو نوع نگرش است؛ نخست آن که این نویسندگان، هنوز همچنان معتقد به تاریخ‌ساز بودن قهرمانان تاریخی هستند که باید برای نجات کشور برخیزند و در اصلاح جامعه بکوشند. این نگرش، تا حد زیادی قابل پذیرش و برخاسته از وضعیت تأسف بار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ایران در روزگار پس از جنگ جهانی دوم و ناتوانی محمدرضا پهلوی در تمشیت امور کشور است و دیگر آن که چون نویسندگان رمان‌های تاریخی در ادوار پیشین به قدر کافی به دوره‌های تاریخی توجه کرده‌اند، اینان شایسته می‌بینند که به زندگی اشخاص تاریخی بپردازند. این نویسندگان، آگاهی دارند که عصر نگارش رمان تاریخی با اهداف آموزشی به سر آمده و اینک زمان آن رسیده است تا به رمان، از منظر یک اثر ادبی محض نگریسته شود از این رو، زندگی اشخاص تاریخی را دارای چنان زمینه و امکانی می‌یابند که می‌تواند جاذبه‌های داستانی اثر را افزایش دهد. کاربست این شگردها، تا حد زیادی زمینه‌ی ارتقای رمان‌های تاریخی را به سطح یک اثر ادبی داستانی فراهم می‌سازد.

ویژگی دیگری که این دوره را از دوره‌های دیگر متمایز می‌کند، حضور تعدادی نویسنده‌ی حرفه‌ای در عرصه‌ی رمان تاریخی است. در این دوره، بخصوص در سال‌های پایانی دهه‌ی سی، بازار نشریات و مجلات هفتگی و ماهانه و نیز بازار کتاب تا حدی رونق می‌گیرد^{۱۳} و هر روز خوانندگان بیشتری به سراغ این آثار می‌آیند. از این رو، در این دوره، نوشتن داستان و چاپ آن در پاورقی مجلات و

روزنامه‌ها و یا به صورت ضمیمه‌ی نشریات، می‌تواند برای صاحبان آن هم اجر مادی داشته باشد و هم شهرت کافی به ارمغان آورد. این عامل و انگیزه که در دوره‌های پیشین، کم سابقه و تا حدی بی‌سابقه بوده است و به دلیل ناکافی بودن مادی نویسندگان هم تأثیری نگذارد، در این دوره، زمینه‌ی ظهور کسانی را فراهم ساخت که از راه نویسندگی امرارمعاش می‌کردند. فی‌المثل نویسنده‌ی پرکار و نسبتاً توانایی چون ابراهیم زمانی آشتیانی^{۱۴} (۱۳۶۸-۱۲۶۴ ش) با نوشتن داستان‌های مسلسل خود نه تنها از اجر مادی کافی بهره‌مند می‌شود که زمینه‌ی رونق بازار مجله‌ی «ترقی» و افزایش تیراژ آن را نیز فراهم می‌سازد و با حسرتی مستعان بانام مستعار «ح. م. حمید» (۹ - ۱۲۸۳ ش) با چاپ آثار خود در مجله‌ی «تهران مصور» به رقابت با پاورقی نویسنده‌ی «ترقی» برمی‌خیزد و مخاطبان فراوانی به چنگ می‌آورد.

مطالعه‌ی رمان‌های تاریخی فارسی در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۲ نشان می‌دهد که این نوع ادبی، به خوبی توانسته است با تکیه زدن بر مسند خود، در مسیر تحول و تکامل ساختاری، تکنیکی، سبکی و حتی محتوایی قرار گیرد و در این عمر چهل-پنجاه ساله‌ی خود از شکل و فرم رمانسی دور شود و به هیأت واقعی «رمان تاریخی» درآید.

هم چنان که پیشتر اشاره شد، رمان‌های تاریخی نسل اول، ترکیبی بوده‌اند از کتاب تاریخ به اضافه‌ی رمانس‌های عاشقانه، بخشی از ساختار این آثار، از ماجراهای هیجان‌انگیز و تودرتوی عاشقانه، سفر کردن‌ها و خطر کردن‌های عشاق برای رسیدن به معشوق، حوادث و عناصر

خارق العاده و نامعقول، و بخشی دیگر، از درس‌ها و آموزه‌های تاریخی، جغرافیایی، اخلاقی و احياناً اجتماعی نویسندگان که در قالب مقدمه‌ی آغازین کتاب، پیش درآمد داستان در فصل نخست، توضیحات و اشارات و نقل قول‌های میان‌متنی نویسنده (نظیر ابیات، مصراع‌ها، مثل‌ها و تمثیل‌ها و...) و ارائه‌ی توصیفات تاریخی، جغرافیایی و... تشکیل شده بود، نظیر ساختاری که در سه رمان شمس و طغرا، عشق و سلطنت و داستان باستان دیده می‌شود.

این ساختار ناهمگون، اندک‌اندک در رمان‌های تاریخی نسل دوم و سوم رو به تعدیل و تکامل می‌نهد: مقدمه‌های کوتاهی که نویسندگان رمان‌های تاریخی نسل اول غالباً در تبیین اهداف آموزشی اثر خود می‌نوشتند و در آن منابع و مأخذ موضوع کار خود را ذکر می‌کردند، از آغاز رمان‌ها حذف می‌شود؛ تحلیل‌ها و توضیحات تاریخی - جغرافیایی نویسندگان که غالباً فصل نخست چنین آثاری را تشکیل می‌داد، از میان می‌رود. از این رو، داستان رمان‌های نسل دوم و سوم از سطر نخست آغاز می‌شود و به سرعت پیش می‌رود؛ نکته‌های پندآموز، اشارات حکیمانه و نقل قول‌های میان‌متنی نویسندگان نسل اول رمان‌های تاریخی - که با ساختار و بافت روایی رمان تناسبی ندارد - از متن رمان‌های بعدی حذف می‌شود؛ در رمان‌هایی که به دوره‌ی دوم و سوم مربوط‌اند، دیگر، از توصیفات متنوع و طولانی مکان‌های جغرافیایی، وقایع، حوادث و اشخاص تاریخی - که صرفاً به قصد آموزش ارائه می‌شد - اثری برجای نمی‌ماند؛ هم‌چنین ماجراهای شگفت‌انگیز و تودرتوی عاشقانه و حوادث و عناصر نامعقول از این آثار رخت برمی‌بندد. جای دسیسه‌های متعدد

عاشقانه‌ی رمان‌های تاریخی اولیه را دسیسه‌های دیگری چون انتقام، کینه، حرص و آز، خیانت و... پر می‌کند. و بالاخره پرداختن به «دوره‌های تاریخی» در رمان‌های اولیه‌ی تاریخی - که با کتاب‌های تاریخ تناسب بیشتری دارد تا با یک اثر داستانی صرف - جای خود را به حوادث و اشخاص تاریخی می‌سپارد.

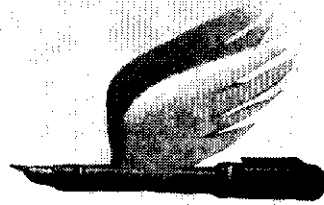
وقوع چنین تحولات ارزنده‌ای در ساختار رمان تاریخی، حاکی از آن است که رمان تاریخی به تدریج از شکل رمانسی و جهات آموزشی خود، دور و تا حدی به ساختار ادبی و بافت هنری نزدیک شده است.

بررسی فنون داستان‌نویسی در رمان‌های تاریخی نسل دوم و سوم نیز همین نکته را تأیید و تأکید می‌نماید: اشخاص اصلی رمان‌های تاریخی اولیه را غالباً قهرمانان عاشق پیشه‌ای تشکیل می‌دادند که هیچ ویژگی منحصر به فردی آن‌ها را از هم ممتاز نمی‌کرد؛ از این رو به شکل غریبی به هم شباهت داشتند. همه‌ی آن‌ها در یک نظر عاشق می‌شدند؛ با سوز و گداز روزگار می‌گذراندند؛ برای وصال می‌کوشیدند؛ به سرزمین‌های دوردست سفر می‌کردند؛ با دشمنان می‌جنگیدند و بر همه‌ی آن‌ها چیره می‌شدند و بالاخره با رفع همه‌ی موانع به معشوق دست می‌یافتند. چنین است که می‌توان گفت نویسندگان رمان‌های تاریخی اولیه بیشتر از آن که شخصیت پردازی کنند، قهرمان حماسی یا شوالیه‌ی عاشق پیشه پرورانده‌اند. این شیوه‌ی نامتناسب با جهان رمان، به تدریج در نمونه‌های بعدی دچار تحول می‌شود. اشخاص رمان‌ها به تدریج رنگ و لعاب شخصیت داستانی به خود می‌گیرند و فردیت خود را تا حدی باز می‌یابند. مثال بارز چنین اشخاصی، لطفعلی خان است در پهلوان زند شین

پرتو؛ فرشید مؤید است در لایزیکای کمالی و خسرو پرویز است در دام گستران صنعتی زاده. اینان، به واقع شخصیت‌هایی هستند با نقاط ضعف و قوت یک انسان عادی که گاهی شکست می‌خورند و گاه پیروز می‌شوند؛ محبت می‌کنند و کینه می‌ورزند و...

خصیصه‌ی دیگری که نشانگر تحول تکنیکی در رمان‌های تاریخی فارسی تواند بود، استفاده‌ی شگردی رمان‌نویسان از دو عنصر داستانی «توصیف» و «گفت و گو» است. «توصیف» و «گفت و گو» که در نمونه‌های نخستین رمان‌های تاریخی فارسی، در خدمت اهداف آموزشی نویسندگان قرار داشت و رمان‌نویسان، اطلاعات، تحلیل‌ها و توضیحات تاریخی، دینی و اجتماعی خود را در این قالب‌ها به مخاطبان القا می‌کردند و یا بعضاً وظیفه‌ی آرایش بافت داستانی را بر عهده داشت، در رمان‌های تاریخی نسل دوم و سوم به ابزار و عنصری صرفاً داستانی بدل می‌شود. توصیفات به کار رفته در این آثار عمدتاً وجهی کارکردی به خود می‌گیرند و ابزاری می‌شوند برای معرفی اشخاص داستان، پرداخت صحنه‌های داستان و فضا سازی متناسب با موقعیت دراماتیک اثر. این نکته خود، دلیلی است آشکار بر بروز تحول در به کارگیری تکنیک‌های داستانی. به علاوه، حذف توصیفات پر دامنه‌ی آموزشی در رمان‌های تاریخی نسل دوم و سوم و جایگزین شدن حرکت داستانی به جای آن، خود نشانه‌ی دیگری است از این تحول.

«گفت و گو» نیز - که همچون توصیف در رمان‌های تاریخی اولیه بار القای اطلاعات گوناگون و تحلیل‌های تاریخی نویسنده را بر دوش می‌کشید و تا حدی در تصویر کردن حالات عاطفی عشاق مؤثر



می افتاد. در آثار دوره های بعد، به عنوان عنصری داستانی نقش کارکردی به خود می گیرد. بدین ترتیب که غالباً حرکت شکل گیری داستان را سرزعت می بخشند؛ در شناساندن منش اشخاص به مخاطبان مؤثر می افتد؛ بخشی از روایت داستان را بر عهده می گیرد و در ایجاد هم خوانی بین جهان داستان و دنیای بیرون، تأثیر می گذارد. از این روست که می توان گفت عنصر «گفت و گو» نیز در رمان های تاریخی دوره ی دوم و سوم، به جایگاه داستانی خود به عنوان عنصری داستانی نزدیک شده است و این نکته نیز به جای خود، از تحول تکلیکی رمان های تاریخی خبر می دهد.

در رمان های تاریخی نسل دوم و سوم، به لحاظ محتوایی نیز تحولات چشمگیری نسبت به نمونه های اولیه ی آن مشاهده می شود. یکی از دلایل این امر، حضور و نقش آفرینی مردم عادی از طبقات مختلف اجتماع و عنصر «زن» در رمان های تاریخی دوره های واپسین است. غالب اشخاص داستانی آثار اولیه را افراد دربار و اشراف و طبقات فوقانی اجتماع تشکیل می دهند که عمدتاً مدافع حقوق و پای بند آرمان های طبقه ی اجتماعی خویش اند و هیچ گونه تغییر و تحولی را در ساختارهای زیربنایی جامعه تحمل نمی کنند؛ از این رو می توان گفت جهان محتوایی رمان های تاریخی اولیه جهان تک صدایی و حاکمیت از بالا

است. در چنین آثاری، اگر هم بویی از اصلاح احساس شود، منظور اصلاحی است که باید از بالا اعمال گردد نه آن که مردم عادی در آن نقشی داشته باشند. اما رمان تاریخی نویسان دوره های بعد، زاویه ی دید خود را از طبقات بالای اجتماع به سمت مردم عادی تغییر دادند؛ خواست ها و آرمان های گروه کثیری از مردم را نیز در نظر آوردند؛ آن ها را تا حدی در تحولات اجتماعی دخالت دادند؛ حتی عنصر «زن» را از بافت کاملاً سنتی و حقیر جامعه ی فئودالی بیرون کشیدند و وجهه و اعتباری اجتماعی بخشیدند. چنین تغییری نگرشی را در دام گستران، پنجه ی خونین و تا حدی در لاریکا می توان سراغ گرفت. در این آثار، مردم عادی دست کم به موازات طبقات بالای جامعه، نقش آفرینی می کنند و بعضاً زمینه ساز تحولات اجتماعی عصر خود هستند.

زیودویس

۱. رمان تاریخی، به لاتین "the historical Novel" و به عربی «الروایة التاريخية» خوانده می شود.
2. cudden, J.A: Dictionary of Literaty terms and Literaty theory. 1978. P:411
۳. فاصله ی سال های ۱۲۸۴ (سال تألیف نخستین رمان تاریخی فارسی) تا ۱۳۰۰ شمسی را که رمان های تاریخی اولیه ی فارسی در این سال ها شکل می گیرند، دوره ی اول یا دوره ی ظهور رمان تاریخی نام گذاری کرده ایم. از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ شمسی را که رمان های تاریخی فارسی از نظر کمی و تا حدی کیفی، در این فاصله رونق می گیرند، دوره ی دوم یا دوره ی رشد و شکوفایی رمان تاریخی فارسی خوانده ایم و بالاخره، فاصله ی سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ شمسی را که رمان تاریخی فارسی از شکل و شمایل اولیه ی خود فاصله می گیرد و تا حدی از تک و تاز می افتد و از نظر محتوایی و عقیدتی، تغییر می یابد، دوره ی رکود نسبی یا

تغییر مسیر رمان تاریخی فارسی

۴. نامیده ایم.
۴. خسروی در مقدمه ی کوتاه خود بر شمس و طغرا می نویسد: «... در سنه ی ۱۳۲۵ هجری در مرقمی که شهر کرمانشاه و او [مؤلف] به واسطه ی تهاجم اغراض فاسده و تراکم شرور و فتن و تطاول اشرار و اوپاش به کلی منقلب و مضطرب گشته و باب قتل و غارت و هتک ناموس در آن مفتوح و راه آسایش و صون مال و جان و آبرو از آن مسدود آمده (فراراً من الفتنه) عیالات خود را برداشته به یکی از دهات دور از شهر رفته در نهایت ملالت و افسوس به حال وطن عزیز و ابناء وطن خود به سر می برد. چون زمان آن مهاجرت به درازا کشید و از نداشتن مونس و دمساز و اسباب اشتغال خاطر او را به جان به لب رسید ناچار به تألیف و تصنیف این کتاب پرداخت.
۵. پیدایش رمان فارسی، کریستف بالایی، انتشارات معین. انجمن ایران شناسی فرانسه، ۱۳۷۷.
۶. ظاهراً از این رمان، چاپ مستقلی به شکل کتاب صورت نگرفته است از این رو، دسترسی ما بدان ممکن نشد.
۷. از این رمان تاریخی نیز نسخه ای به دست نیامد.
۸. صنعتی زاده کرمانی در گروه نویسندگانی جای دارد که تقریباً در تمامی طول عمر جریان رمان تاریخی نویسی، قلم می زند و از این رو، در هر سه دوره ی مورد بحث ما، حضور دارد و از جهت تعدد و تنوع رمان های تاریخی ای که نوشته است رمان تاریخی نویس حرفه ای به شمار می رود.
۹. نقد و سیاحت (مجموعه ی مقالات)، محمد گلبن، توس، ۱۳۵۴، ص ۲۶۲.
۱۰. ناصر نجمی رمان های تاریخی دیگری دارد که غالباً پس از سال ۱۳۳۲ تألیف و چاپ شده اند.
۱۱. این رمان در سال ۱۳۳۵ به صورت مستقل در پنج جلد به چاپ رسیده

۱۲. چنان که از مقدمه ی رمان کوتاه بابک و افشین برمی آید، اصل آن حجمی حدود هشتصد صفحه داشته که مفقود گردیده است و نویسنده اثر موجود را به درخواست ناشر، برای بار دوم نوشته است.
۱۳. برای اطلاع بیشتر. رک: ادبیات نوین ایران، مقاله ی «مطبوعات ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶. ش» ل. ب. الول ساتن، ترجمه یعقوب آژند، تهران ۱۳۶۳، ص ۲۲۹ به بعد.
۱۴. فیلم نامه نویسی و نویسنده ی پرطرفدار پاورقی های تاریخی مجله ی ترقی، مسؤول مجله ی ژاندارمری و مؤسس رادیو ژاندارمری و صاحب رمان های تاریخی بی شمار از جمله عشق و انتقام، به سوی روم (۳ جلد)، خورشید نیسون، دلشاد خاتون (۷ جلد)، زیبای مخوف (۷ جلد)، سلطانه ی جنگل (۱۱ جلد)، پنجه ی خونین و....